

پایانِ جم از مامی کرد

شیر به منجی

اتفاقی افتاده بود رانه. درد او درد خودم بود. برایش نوشتم: «برات دعا می‌کنم ائمه گره از کارت بازکنن.» رک و بی‌پرده نوشتم: «ممنونم عزیزم ولی من اعتقادی به این موضوعات ندارم.» برایش قلب گذاشتم. بعد سکوت کردم. سکوت کردم و تا نیمه شب به فکر فرو رفتم. فکر می‌کردم آدم‌هایی که به این موضوعات اعتقاد ندارند، به چه ریسمانی چنگ می‌زنند؟ آنهایی که هدفشان برای دوام آوردن، ساختن روزهای آماده ظهور نیست، چه معنایی برای زندگی خود می‌سازند؟ خدا را شکر که مهدی (عج) را آفرید تا معنای راستین زندگی ما شود.

روان‌شناسی مثبت‌گرا رویکردی درمانی در این علم است که ویژگی‌های مثبت زندگی مانند خوشبختی، رضایت و توانمندی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در این رشته همه آن چیزی که برای یک زندگی هدفمند و پرمعنا مورد نیاز است و باعث شکوفایی انسان می‌شود، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در حقیقت به نقل از کتاب «حقیقت آرامش»، در دیدگاه اسلامی، اندیشه مثبت تنها یک نوع تفکر خاص و جزئی از زندگی نیست؛ بلکه نوعی رویکرد و جهت‌گیری کلی در همه ابعاد وجودی و آغاز و منشأ اتصال به صراط مستقیم و پایه و اساس عقل عملی «ما عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ...» است و همین اندیشه مثبت موجب گام برداشتن در مسیر حق و عامل جذب امدادهای غیبی الهی می‌شود و اندیشه منفی، سرآغاز انحراف انسانیت و محرک عقلی شیطانی و سقوط در وادی تباهی و پوچی و خسران ابدی است.

■ نویدی در تمام ادیان و ادوار

درست است که مقوله ظهور بیش از هر دینی با باورهای مسلمانان پیوند خورده است اما این که فکر کنیم مهدویت فقط در اعتقادات اسلامی وجود دارد، سخت باور غلطی است. از زمانی که اولین دین ابراهیمی بین مردم رایج شد، اعتقاد به شخصی الهی که قرار است روزی دنیا را از ظلم نجات دهد و جهان را از عدالت سرشار کند، شکل گرفت. همیشه فرد یا قومی که در وضعیت اسفبار گرفتار شده و متحمل رنج‌ها و مصائب می‌شود، چشم به راه ظهور فرد یا گروهی است که در اختفا و غیبت به سر برده و در آینده ظهور خواهند کرد.

وقتی کتب مقدس ادیان الهی را ورق می‌زنیم، به وضوح درمی‌یابیم که اعتقاد به منجی و نجات‌دهنده بشر از ظلم و تباهی و فساد و گناه، امری مسلم و انکارناپذیر است. اعتقاد به منجی از صدر اسلام تا کنون، امری مسلم و محرز بوده و جای هیچ‌گونه شک و تردیدی در خود ندارد. حتی میان آیین‌هایی که منشأ الهی ندارند نیز اعتقاد به منجی به قدری زیاد دیده می‌شود که با کمی تخفیف می‌توان گفت که کمتر دین و آیینی وجود دارد که در آن این باور وجود نداشته باشد که قرار است یک انسان پاک بالاخره بیاید و چهره ظلم را از روی زمین بردارد. در هر دین و آیینی این اعتقاد به طریزی ظهور پیدا کرده است.

در کتابی که براساس عقاید هندوها نوشته شده، آمده است: «در اواخر دوره چهارم اهل زمین به فساد کشیده شده و اکثر آنها کافر می‌شوند. آنها معصیت‌های بزرگی انجام می‌دهند و حاکمان آنان افراد پست خواهند بود. مردم در آن زمان به گرگ‌ها شبیه‌اند که همدیگر را می‌درند و غارت می‌کنند، کاهنان و مردان دین فاسد می‌شوند، حق

باززدان می‌شود و افراد باتقوا و زاهد را تحقیر می‌کنند. در آن زمان برهمن کلا (یعنی مردی شجاع و دیندار) ظهور می‌کند و زمین را با شمشیر برنده‌اش از مفسدان و پلیدی‌ها پاک کرده و افراد پاک و طاهرا حفظ خواهد کرد.»

از عقاید مشترک مهم زرتشت و اسلام، اعتقاد به آمدن شخصی است که قرار است در جهان آبادانی به پا کند. هرچند که تعبیر آیین‌ها و ادیان با یکدیگر از فرد منجی بسیار مختلف است و تفاوت‌هایی دارد اما هدف از گفتن این موضوع آن است که انسان‌ها همواره به طور فطری به منجی باور داشته‌اند؛ چه در ادیان مختلف و چه در جغرافیای گوناگون.

■ جای خالی جادوی هنر

پیشتر از تأثیرات باور به منجی در افراد گفتیم. هنوز هم ناگفته‌ها در این باب زیاد است. سؤال اصل اینجاست، چرا در انتقال این باور کم کاری صورت می‌گیرد؟! کار هنر، تأثیرگذاری است.

مهدویت که پتانسیل این را دارد که سوزنه هنری آثار برجسته‌ای باشد، مدت‌هاست که مغفول مانده. در هفته‌های اخیر، جشنواره فیلم فجر را پشت سر گذاشتیم. با نگاهی به آثار ارائه شده در این جشنواره می‌توان دریافت که به رغم وجود موضوعات دینی، مفهومی که پای آن به میان آورده نشد، منجی بود.

کار خوب اگر ساخته شود، دیده می‌شود و تأثیر خود را روی جامعه می‌گذارد. همچنین در سال‌های اخیر در موسیقی مفهوم ظهور، بازنمایی بیشتری داشته است. درسوردهای مذهبی در مورد انتظار برای منجی زیاد حرف زده شده؛ ولی سطح هنری آثار همیشه دستمایه انتقاد بوده است.

در زمینه هنرهای ادبی در دهه سنی کودک آثار شاخصی تولید شده ولی طبق رویه معمول، رده کودک و نوجوان از هم جدا نشده و ما در سال‌های اخیر کتابی را نمی‌بینیم که در این زمینه بین نوجوان‌ها دست به دست شود. همان‌طور که رئیس حوزه هنری خراسان رضوی گفته: «بسیاری از سازمان‌های فرهنگی و تبلیغاتی، دست‌کم در حد شعار از دغدغه خود برای نوجوانان می‌گویند، اما در عرصه تولید کتاب برای این قشر و خلاقیت در این عرصه، کارهای جدی چندانی انجام نشده است.»

در زمانه‌ای که بهترین شرکت‌های فیلمسازی جهان و حرفه‌ای‌ترین نویسندگان روی نوجوانان سرمایه‌گذاری می‌کنند و خواننده‌های اول چارت اسپاتیفای، برای تین‌ایجرها آلبوم بیرون می‌دهند و با هزینه‌های هنگفت آثاری تولید می‌کنند که در جای جای جهان، نسل جدید را مجذوب خود می‌کند، باید تولید اثر هنرمندانه را برای این رده سنی جدی بگیریم.